

حکیم ملا محمد فضولی

دیوان اشعار عربی

با برگردان ترکی از:

دکتر حسین محمدزاده صدیق

۱۳۹۱

سرشناسه فضولی بنفای، محمد بن سلیمان، ۹۱۲-۹۱۶ق

عنوان قرآنی: دیوان عربی

عنوان و نام پدیدآور: دیوان اشعار عربی / ملا محمد فضولی؛ با برگردان ترکی از حسین محمدزادصدیق

مشخصات نشر: تهران: تکدرخت، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری: ۳۴۰ ص؛ ۱۴/۵×۱/۵۰ س.م

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۴۶-۰۰-۸

زبان: فارسی - عربی - ترکی. یادداشت: کتابخانه به صورت زیرنویس.

موضوع: شعر عربی - قرن ۱۰ - ترجمه شده به ترکی

موضوع: شعر عربی - ایران - قرن ۱۲ - ترجمه شده به ترکی

شماره افزودن محفظه ضبط: حسین، ۱۳۳۴ - مترجم، مصحح

ردیف بنی: کنگره ۴۵۱۷۲/۴۵۱۷۲-۱۳۹۱

ردیف بنی: دیوبی: ۸۹۲/۷۱۳

شماره ثبت: ملی: ۲۷۲-۶۸



انتشارات
تکدرخت

دیوان اشعار عربی

حکیم ملا محمد فضولی

برگردان ترکی: دکتر حسین محمدزاد صدیق

ناشر: تکدرخت، محل نشر: تهران، سال نشر: ۱۳۹۱، شمارگان: ۲۰۰۰، نوبت چاپ: اول

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۴۶-۰۰-۸

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

آدرس ناشر: تهران، خیابان جمهوری، ابتدای نوفل‌لوح، پلاک ۱، واحد ۴.

تلفن: ۶۶۵۶۵۱۳۲

فهرست

۱.	مقدمه‌ی شرح	۵
۶.	حکیم ملا محمد فضولی و آثارش	۶
۶.	۱. شخصیت فضولی	۶
۹.	۲. آثار فضولی	۹
۹.	۱- ۲. آثار ترکی	۹
۲۰.	۲- ۲. آثار فارسی	۲۰
۲۷.	۲- ۳. آثار عربی	۲۷
۳۵.	۲. القصائدُ العربیة	۳۵
۹۱.	۳. قصیده‌لرین ترجمه‌لری	۹۱
۲۰۵.	۴. الایاتُ الموجودةُ فی الدیوانِ التُّرکیّ	۲۰۵
۲۱۹.	۵. تورکجه دیوانداکی عریجه بیتلرین ترجمه‌لری	۲۱۹
۲۲۹.	۶. الایاتُ الموجودةُ فی الدیوانِ الفارسیّ	۲۲۹
۲۳۳.	۷. فارسجا دیوانداکی عریجه بیتلرین ترجمه‌لری	۲۳۳



۱. مقدمه‌ی مترجم



www.ketab.ir

حکیم ملا محمد فضولی و آثارش

۱. شخصیت فضولی

مولانا حکیم ملا محمد فضولی، شاعر و اندیشمند والاجای شیعه (م - ۹۹۰ هـ) در تاریخ ادبیات اسلامی، شخصیتی مستثنی دارد. متفکر و شاعر سه زبانه‌ای است که تأثیر عمیقی، بویژه در تاریخ ادبیات ترکی آذری بر جای نهاده است. نام او محمد، نام پدرش سلیمان بود. گفته شده که در سال ۹۱۰ هـ. در خانواده‌ای شیعی مذهب و آذربایجانی، در جوار مرقد سیدالشهدا، در کر بلا به دنیا آمده است. با وجود این که نام و یاد او در چندین تذکره ذکر شده، اما از کودکی و کیفیت تحصیلاتش آگاهی چندانی نداریم. در جوانی لقب «ملا» گرفته و مشهور به ملا فضولی بوده است. علوم عربی را نزد عالمی به نام رحمت الله و علوم ادبی را نزد حبیبی، ملک الشعراء دربار شاه اسماعیل ختایی آموخته است. و نیز، با دختر رحمت الله داهی ازدواج کرده و پسری فاضل و شاعر با تخلص فضلی داشته است.

لقب «ملا» نشانه‌ی کلامی بودن وی، و لقب «حکیم» بیانگر رویکرد او به فلسفه و حکمت است. به دیگر سخن، حکیم ملا محمد فضولی مانند ابوعلی سینا و بیشتر

از او، توانست کلام و فلسفه را به گونه‌ای آشتی دهد و راه سوئی را در حکمت اسلامی بگشاید که بعدها از سوی حکیم ملا عبداﷲ زوزی دنبال شد.^۱

از سوی دیگر، وی شاعری اندیشمند است و در شعر ترکی، ید طولایی دارد. در مقدمه‌ی دیوان ترکی خود می‌گوید:

«علم سیز، شعر اساسی یوخ دیوار اولور و اساس سیز دیوار، غایتله بی اعتبار اولور».^۲

یعنی: «شعر عاری از دانش همچون دیواری بی‌بنیان باشد و دیوار بی‌بنیان را سرانجام اعتبار نباشد».

در همان‌جا، از تحصیل علوم عقلی و نقلی و پرورش استعداد شعری خود با دانش و معرفت سخن می‌گوید و اعتقاد دارد که: «شاعری، از الطاف الهی است که نصیب برخی از اولاد آدم می‌شود». شاعری را نوعی عبادت می‌شمارد.

فضولی بنا به تصریح منابع زندگی‌گزاری دوران‌های گذشته، منسوب به ایل بیات بوده است و او را در برخی از تذکرها به صراحت «بیاتلو» نامیده‌اند. صادقی افشار در تذکره‌ی مجمع الخواص که در سال ۱۰۰۷ هـ. آن را تألیف کرده، تصریح می‌کند که:

«... مولانا فضولی از عشیره‌ی بیات به بغداد آمده...»

عباس عزیزی در کتاب تاریخ العراق بین احتلالین او را چنین می‌نامد:

«الشاعر فضولی، من عشيرة البیات».

شکی نیست که او در عراق زاده شده و در حله و بغداد و نجف و در نهایت به عنوان مجاور و تربه‌دار مزار حضرت سید الشهدا در کربلا زندگی کرده است و

۱. ر. کد: محمدزاده صدیق، حسین، ملاعبداﷲ زوزی و زوزیه مکتی، تهران: نشر پیام، ۱۳۸۱.

۲. همان: ص ۹۷.

همان جا مدفون است. دربارہی عشیرہی او یعنی ایسل بیات، محمود کاشغری در دیوان لغات ترک گوید:

«ایات هم من اوغوز او الغز ... و اوغوز طائفة من الترك و هم التركمان ينقسمون الى ۲۲ قبيلة و منها قبيلة البيات»^۵

عبد الطیف بندر اوغلو دربارہی علت اشتہار فضولی بیاتلی بہ بغدادی گوید:

«ان فضولی لقب بہ البغدادی لان بغداد كانت مدينة علم و ادب و ثقافة و مرکز اشاع لـدنیا الاسلام و واحدة من اہم المراكز الثقافية فی الشرق. و شهرتها كانت اکثر من شهرة العراق نفسه. حتی ان الطلاب القادمین الیها لدراسة العلم و الادب كانوا یلقبون انفسهم بالبغدادی حباً لہا و ارتباطاً بہا و اشتیاقاً و تمجداً بالانساب الیہا»^۶

و دربارہی اسکان و اقامت عشیرہی بیات در اطراف بغداد در روزگار فضولی گوید:

«و من المعروف ان اکثرية البيات كانت و مازالت تسكن فی العراق فی المنطقة الواقعة بین کرکوک و الخالص و فی اماکن اخرى من العراق.

و الی جانب کون فضولی البغدادی شاعراً للترکمان العراقیین، یرکمز علیہ الاذربيجانيون بوصفه شاعراً أذربياً یمت لہم بصلۃ النسب و اللسان لأنه كتب مؤلفاته باللغة التركمانية الآذرية المتداولة فی ذلک الوقت. کما ان الشاعر نفسه قال فی مقدمة ديوانه بالترکية «ان لسانه هو الترية الآذرية»^۷

^۵ کاشغری، محمود، دیوان لغات ترک، ترجمہ ذکر ح، م، صدیق، تیریز، نخر، ۱۳۸۳، ص ۵۱۱

^۶ مطلع الاعتقاد و قصائد العربیہ، یشین، ص ۸

^۷ همانجا

استعداد سرشار و بی نظیر او، نقش عظیمی در دگرگون‌سازی ادبیات ترکی آذری داشته است. و می‌توان گفت، نقشی را که نظامی در شعر فارسی ایفا کرده است، او در تاریخ شعر ترکی دارد. از روزگار خودش تا قرن‌ها بعد، بسیاری از شاعران نام‌آور ترکی سرانجام تحت تأثیر آثار او به خلاقیت شعری پرداخته‌اند و نظیره‌سازی و تضمین بر بسیاری از آثار او را بر خود افتخار شمرده‌اند. مانند: باقی (شاعر معروف عثمانی)، خیالی، نائلی، قوسی تبریزی، صائب تبریزی، ندیم، شیخ غالب، سید عظیم شیروانی، میرزا علی اکبر صابر و دیگر شاعران ترکی آشنای ایرانی که بر آثار او نظیره‌ها ساخته و او را «استاد الشعراء» نامیده‌اند. به نظر یکی از فضولی‌پژوهان، وی در آفرینش شعری تحت تأثیر هیچ شاعری قرار نگرفته است و سراینده‌ای دارای شایستگی مستثنایی است.^۷ آثار او در دوره‌ی قاجار در مکاتب و تکایای کشورمان تدریس می‌شده است. نسخه‌های خطی کلیات آثارش در کتابخانه‌های ایران نظیر کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، مجلس، ملی، دانشگاه تهران، کتابخانه‌ی مرکزی تبریز و جز آن محفوظ و مضبوط است.

۲. آثار فضولی

۲-۱. آثار ترکی

مولانا حکیم ملا محمد فضولی زبان ترکی را مناسب‌ترین قالب برای بیان عواطف و احساسات خود دانسته است. و با این همه، افتخار کرده است که در شاعری و سخنوری در هر سه زبان عالم اسلام تواناست:

از سخن، خوانی کشیدم پیش اهل روزگار،

۷. ایکشن، دکتر خالوق فضولی و شرح بعض اشعار او، لوزروم، ۱۹۷۳. مقلقه.

ذوق‌های گونه‌گون در وی، ز انواع نعم
 نیستیم شرمنا، هر میمان که آید سوی من،
 خواه از ترک آید، و خواه از عرب، خواه از عجم
 هر که باشد گویا و هر چه باید گویر،
 هست باقی است این قسمت نخواهد گشت کم
 از آثار ترکی وی هفت اثر بر جای مانده است.

۱-۱-۲. دیوان ترکی: در برگزیده‌ی تحمیدیه‌ها، نعت‌ها، مرثی، قصاید، مسملات، غزلیات، قطعات و اشعار دیگر شعرهاست که با یک مقدمه‌ی مشهور زیبا آغاز می‌شود. این دیوان، نخستین بار در تبریز، به سال ۱۲۴۷ هـ. چاپ سنگی شده است.^۸ دو بار نیز در تهران به صورت چاپ سنگی و سری انتشار یافته است. در سال ۱۲۵۸ هـ. در بولاق (مصر)، در ۱۲۵۶ هـ. در عشق‌آباد، و در ۱۲۶۸ هـ. در استانبول چاپ شده است. پس از تغییر القبا در ترکیه، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان، بارها به القباهای مختلف و با دیدگاه‌های گوناگون انتشار یافته است. پیش از انقلاب اسلامی، در ایران، بارها از روی چاپ ۱۲۶۶ هـ. استانبول، معروف به چاپ تصویر افکار به طریق افست چاپ شده است. در سال ۱۳۵۷ به هنگام برگزاری کنگره‌ی جهانی فضولی در تهران، از سوی رئیس کنگره چاپ مغلوط و مشکوکی از آن بیرون داده شد.

گزیده‌ای هم از غزلیات این دیوان، در سال‌های اخیر در تبریز به همت آقای حسین فیض‌اللهی و حیدر چاپ شده است. نشر علمی، نوین و کاملی از آن را،

۸. دیوان قصاید و مثنویات فضولی، چاپ سنگی، تبریز، ۱۲۴۷ هـ.

این جانب در سال ۱۳۸۴ با تعلیقات و کشف‌الآیات انتشار دادم.^۹ گزیده‌ای از تصحیح این جانب توسط آقای کریم اسدی و شاعرخ نحعی انتشار یافته است.^{۱۰} چندین شرح نیز بر آن نگاشته شده است که از شرح‌های معاصر و دانشگاهی می‌توان کتاب درسی پرفسور دکتر خلوق ایککتن را نام برد.^{۱۱}

دیوان فضولی با یک دیباچه‌ی مشور آغاز می‌شود. سپس دو تحمیدیه و نه نعت می‌آید که آن‌ها را می‌توان از زیباترین آثار فضولی شمرد. مثلاً نعت معروف، به مطلع:

ساجما ای کوز اشکدن کولامده کی اولدارا سو،

کیم بو دنلی دوتوشان اولدارا قلماز چارسو.

ذوق تیغیندن عجب بیخ اولسا کولوم چاک - چاک،

کیم مرور ایله بوراخیر رخسار دیرا سو

تا آن‌جا که می‌گوید:

طینت پاکینی روشن قلمبش اهل عالمه.

اقتدا قلمبش طریق احمد مختارا سو.

سید نوع بشر، دریای در اصطفا.

کیم سپیدیر معجزاتی آتش اشرا را سو.

قلماق اوچون تازه گلزار نبوت روتقین،

معجزیدن اثیله‌میش نظهار سنگ خاره سو.

۹. فضولی بیانی، حکیم ملا محمد بن سلیمان دیوان اشعار ترکی حکیم ملا محمد فضولی، مقدمه تصحیح و تحشیف جم صدیق تیز، نشر اختر، ۱۳۸۴.

۱۰. گزیده‌ی دیوان ترکی حکیم ملا محمد فضولی، به کوشش کریم اسدی / شاعرخ نحعی، نشر نگارخانه تهران، ۱۳۸۸.

۱۱. ایککتن، دکتر خلوق فضولی و شرح بعض اشعار او، لوزروم: دانشگاه آتاتورک، ۱۹۷۳ (در ایران ترجمه‌ی نرهم و مشکوکی از این کتاب بدون ذکر نام مؤلف آن و تحت عنوان چشمه‌ی خورشید به هنگام برگزاری کنگره‌ی جهانی حکیم ملا محمد فضولی به نام رئیس آن کنگره بیرون داده شد).

معجزی بیر بحر بی پایان ایملش عالمده کیم
یتیمیش آندان مین - مین آتش خانهای کتاره سو.

در دیوان ترکی فضولی که این جانب ترتیب داده است، پس از ۴۴ قصیده، بخش غزلیات می آید که شامل ۴۱۰ غزل بسیار زیبای عرفانی و فلسفی است. اغلب آنها هفت بیت است و به ندرت غزل های شش و هشت بیتی دیده می شود. بسیاری از غزل های او را ترکی آشنایان هموطن ما از حفظ دارند. مانند غزل ها با مطلع های:

دوستوم عالم سنن چین گر اولدا دشمن منا،
جان عالم سن، بیر سن دوست آجاق سن منا.

اول پرئوش کیم ملا حبس مکتون سلطانیدر،
حکم اونون حکمی دورور. فرمان اونون فرمانیدر.

پنبه ی داغ جنون ایچره نهاندیر بدنیم،
دیری اولدوقجا لباسیم، بودور اولسم ککنیم.

جان وثرمه غم عشقه که عشق آفت جاندیر،
عشق آفت جان اولدوغو مشهور جهانیدر.

منی جاندان اوساندیردی جفادان یار اوسانمازمی،
فلکدر باندی آهیمدن مرادیم شمع یانمازی؟

پس از غزل ها، ۴۷ قطعه، ۳ ترجیع بند، ۳ ترکیب بند، ۵ مریع، ۴ محسن، یک تسدیس، یک تضمین، یک ملّغ و ۱۴۴ رباعی در دیوانش آمده است.

دتر لر گوله خار، لعله خاره.
 ... دفوران ایستر کی خوار اولا نظم
 بی عزت و اعتبار اولا نظم
 هر سؤ کی کلیر ظهورا مندن.
 مین طعنه بولور هر انجمنندن.
 ... من منظرم و ترم، و واجین
 بیمار ایسه اتیله بی علاجین.
 تعمیر خرابه عالمیم من
 ان شاء الله که عالم من ...

پیش از فضولی، چندی تن از شاعران ترکی سرا از جمله: شاهادی، نویسی، بهشتی، حمادی، قدیمی، جلیلی و ... مجرای لیلی و مجنون را به نظم کشیده‌اند. و در زبان فارسی نیز، خبر از چند مثنوی، مانند مثنوی گرانجای نظامی گنجوی و نیز، مثنوی عبدالرحمن جاسی داریم؛ ولی هیچ یک از آن‌ها جز اثر نظامی، چون سروده‌ی فضولی این همه شهرت، قبولِ خاطر و آوازه نیافت. به گونه‌ای که اثر فضولی را در قریب به اتفاق کشورهای جهان، آشنایان به ادبیات مشرق زمین می‌شناسند. و ترجمه‌ها و روایت‌های غربی نیز اغلب بر ساختار منقول فضولی متکی است. آخرین متن علمی - انتقادی آن را این قلم انتشار داده است.^{۱۲}

^۱ فضولی یاکلی، حکیم ملا محمد لیلی و مجنون تصحیح، مقدمه و تحنیه: دکتر حسین محمدزاده صدیق، تریز: نشر

۲- ۱- ۳. بنگ و باده: مثنوی عارفانه‌ای در ۴۵۰ بیت که پیش از جنگ چالدران سروده شده و به شاه اسماعیل ختایی تقدیم شده است. در این اثر، منظور از بنگ، سلطان یازید دوم، و منظور از باده، شاه اسماعیل است. این مثنوی چند بار در کلیات فضولی در تبریز و تهران چاپ شده است.

در این داستان، باده بر بنگ برتری داده می‌شود. در آغاز آن تحمیدیه، نعت و ذکر فضائل و مناقب حضرت علی (ع) و مدح شاه اسماعیل ختایی آمده است. سپس، در وصف باده سخن می‌رود. باده پس از وصف خود، برای بنگ، ایلچی می‌فرستد؛ ولی ایلچی به باده خیانت می‌ورزد. باده قشون بر می‌دارد و به سوی بنگ روان می‌شود و در فرجام ماجرا بر بنگ غلبه حاصل می‌کند.

مثنوی در وزن «فاعلاتن مفاعیلن فعولن» (ـ.../ـ.../ـ.../ـ...) سروده شده است. پچوری در تاریخ خود از شاعر معروف عثمانی موسوم به غازی گرای نام می‌برد که بر این مثنوی نظیرهای زیبا سروده و آن را کل و بلبل نامیده است.^{۱۳}

در این مثنوی، شیوه‌ی عنوان‌گذاری منظوم قرن نهم ادبیات ترکی آذربایجان رعایت شده است. عنوان‌های برخی از فصل‌های آن چنین است:

هست این نعت احمد مختار

و یا:

شماعی وصف حیدر کرار

و یا:

باشد این مدح شاه اسماعیل.

آغاز مثنوی چنین است:

ای وثرن برم کائناتنه نسق

بورانان جام عشقه نشنه ی حق.

عشق میخانه سین قبلان معمور.

سونان اوندان جهان جام عرور.

کی اندیش اول عرور جامینی نوش.

اهل نطق اولاه و مدهوش.

جمله دن مخفی اوله اسیری.

اولمایا هیچ کیم خبرداری...

متن تصحیح انتقادی آن را اخیراً انتشار داده‌ایم.^{۱۴}

۱-۲-۳. قریخ حدیث: فضولی، اثر معروف مولانا عبدالرحمن جاسمی را به

همین نام، به گفته‌ی خود جهت فیض عموم، به ترکی ترجمه کرده است. هر

حدیث را به صورت یک قطعه در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فعلاتن» (— / — / — / — / —) در

آورده است. این اثر، مقدمه‌ی مثنوی و خاتمه نیز دارد.

نگارنده‌ی این سطور، کتاب قریخ حدیث فضولی را با مقدمه‌ای کوتاه در سال

۱۳۷۱، در تهران چاپ کرد.^{۱۵} پیش از آن نیز دوبار در ترکیه در سال ۱۹۵۸ از سوی

مرحوم عبدالقادر قاراخان، و در سال ۱۹۵۱ از سوی کمال ادیب کورکچر و غلامو در

۱۴. فضولی یاتلی. حکیم ملا محمد بنگ و باده مقدمه، تصحیح و تحشیه دکتر ح. م. صدیق، تهران: نکلدرخت، ۱۳۸۹.

۱۵. فضولی یاتلی. حکیم ملا محمد قریخ حدیث، به اهتمام دکتر ح. م. صدیق، تهران: بنیاد بحث، ۱۳۷۱.

استانبول، همراه ترجمه‌های فارسی جامی و یک بارهم در باکو، در سال ۱۹۵۸ چاپ شده بود. در چاپ جدیدی که ما آماده کرده‌ایم، متون اصلی احادیث، برگردان فارسی جامی، و برگردان اوزبکی نویی را نیز داده‌ایم.

۱- ۵. صبحۃ الأئمار: مثنوی در ۲۰۰ بیت در وزن «مفعول مفاعله»
فعلولن (- - / - - / - -) که نخستین بار امین عابد در سال ۱۳۰۶ هـ.
آن را معرفی کرده است.^{۱۶} در این مثنوی از زبان میوه‌ها سخن می‌رود.
نخست باغی به تصویر درآمده است که در آن فواکه و میوه‌های فراوان
وجود دارد: گوجه، هلو، گیلاس، شفتالو، سیب، گلابی، زردآلو، انگور،
به، پرتقال، ترنج، انار، خرمای بادام، لیمو، عناب، هندوانه و خربزه. هر
یک از این میوه‌جات از فضایل خود سخن می‌گویند و شاعر چون
می‌بیند آن‌ها با هم در افتاده‌اند، باغ را ترک می‌گوید.
انتساب این اثر به فضولی را مرحوم فخرالدین کویرلو به شدت رد می‌کند^{۱۷} و
می‌گوید که:

«قبل از نشر امین عابد، اولین بار در مجموعه مقالات مربوط به فضولی که در

شهر باکو، نرسال ۱۹۲۵ چاپ شده، لتساب آن به فضولي، اذعان شده است.^{۱۸}

و آن را به استاد یک مجموعه‌ی چاپ سنگی (سال ۱۲۰۴ هـ.ق) منسوب به عباس ملقب می‌داند. اما باید دانست که این مثنوی در سال‌های آغازین تأسیس

^{۱۶} امین عابد الوری تلمیذہ لڑ فضولی، مجموعہء حیات ج ۱، ش ۱۶، ص ۳۱۴.

١٧. A. I، حرف F، ص ٦٩٧.

18. همانجا.

چاپخانه در تبریز، بدون ذکر تاریخ، به چاپ سنگی رسیده است. دلایلی که در ردّ انتساب این اثر به فضولی کنار هم چیده می‌شود، از قماش دلایلی است که برای ردّ انتساب مثنوی یوسف وزلیخا به فردوسی طوسی آورده شده است.^{۱۹} آمدن نام عباس مایند در یک مجموعه‌ی چاپ سنگی، ناشی از بی‌دقتی ناشر و استفاده از شهرت مایند در سرودن اشعاری از این دست بوده است. شیوه‌ی بیان و سبک شعری مثنوی، به تمامی، حکایت از آن دارد که اثر به ظنّ قریب به یقین، سروده‌ی کسی جز فضولی نمی‌تواند باشد:

اول قادر و حتی و فرد و قاجار
آدمی منیم قویبود و قاجار.

هم چهرمه و ثردی سرخ رنگی.

هم آگیمه اطلس فرنگی.

ایکی یارین آراسندا محرم.

یوخ من کیمی دهرده مقدم.

هم بیک نگار نازنینم.

هم قاصد یار مه‌جبینم.

این مثنوی را این‌جانب تصحیح و چاپ کرده‌ام.

۱۹. فردوسی طوسی، حکیم یوسف وزلیخا، به اهتمام دکتر حسین مجتارده‌صدیق، تهران: انتشارات آفریت، ۱۳۷۶.
۲۰. حکیم ملا محمد فضولی، مثنوی، تصحیح و تحشیه، دکتر ح. م. صدیق، تهران: نگارخانه، ۱۳۸۹.

۶- ۱- ۲. حدیقه السعدا: اثری است پیرامون واقعه‌ی شهادت حضرت امام حسین^(ع) در کربلا که به نظم و نثر تصنیف شده است و از آثار پر ارزش تاریخ زبان و ادبیات ترکی به شمار می‌رود و نسخ خطی متعددی از آن موجود است که نخستین بار در سال ۱۲۵۲ هـ. چاپ شد. این اثر در یازده باب تدوین شده است: باب اول، در بیان احوال انبیاء و باب یازدهم، در بیان آمدن مخدّرات اهل بیت از کربلا به شام، است. فصولی در تصنیف این کتاب به **روضه‌الشهدا اثر واعظ کاشفی** نظر داشته است. و آن را به نثر مسجع و سیاهی نوشته است. البته منظور آن نیست که ادّعا کنیم فصولی، **روضه‌الشهدا** را ترجمه کرده، بلکه باید گفت که وی در کنار منابعی چون: **کنزالفرائد**، صحیفه‌ی رضویه، **شواهد النبوة**، **مرآت‌الجنان** و **تظلم**، از **روضه‌الشهدا** بیشترین بهره را برده است.

حدیقه‌السعدا در تصنیف و تألیف بسیاری از متون فارسی نیز مؤثر بوده است. مثلاً **افتخارالعلماء** از شعرای سده‌ی ۱۳ هـ. در نظم مثنوی حمله‌ی حیدری به این کتاب توجه داشته است. این کتاب بارها در تبریز، قم و تهران چاپ شده است. در باکو به کوشش علیار صفرلی و آخرین بار در تهران به همت و زحمت حسن مجیدزاده ساوالان (با درج نام رسول اسماعیل‌زاده بر روی جلد) انتشار یافته است.

۷- ۱- ۲. مکتوبات و منشآت: حاوی مکتوبات خمسه‌ی فصولی به معارف زمان خود که تاکنون سه بار چاپ شده است. این اثر به مکتوبات خمسه نیز نامبردار است. این مکتوبات از سوی فصولی به اشخاص زیر نوشته شده است:
الف. بابزید چلبی فرزند سلطان سلیمان قانونی
ب. جلال‌زاده نشانجی مصطفی چلبی.

ج. قاضی علاءالدین.

د. ایاز پاشا والی بغداد.

مبشیتین مکتوب، شکایتنامه نام دارد که حاوی قطعات منظوم است. این مکتوب را در نوع‌بندی ادبی تاریخ ترکی، می‌توان جزو منشآت فنی به حساب آورد.

مخطوط پنجمین مکتوب معلوم نیست. آن را کمال ادیب کورکچو اوغلو؛ مصحح دند زلمه در سال ۱۹۴۵ چاپ کرده است.^{۲۱} بعدها این مکتوب را خطاب به احمد میرلوی مرصع تشخیص دادند.^{۲۲}

۲-۲. آثار فارسی

فضولی به زبان فارسی و طرایف و قافیه آن تسلطی استادانه و ماهرانه داشت و به این زبان، آثار منظوم و مثنوی چندی به شرح زیر بر جای گذاشته است:

۲ - ۲ - ۱. هفت جام: که به ساقی‌نامه نیز مشهور است. دارای ۳۲۷ بیت در بحر متقارب: «فعولن فعولن فعولن فعول» (././././././././././) و شامل مقدمه، هفت قسم و خاتمه است. اثر، ماهیتی صوفیانه دارد. شاعر متصوف در هر قسم با یکی از آلات موسیقی نظیر نی، دف، چنگ، عود، طنبور، قانون و جز آن مباحثه می‌کند.

مقدمه‌ی اثر چنین آغاز می‌شود:

سر از خواب غفلت چو بر داشتم،

لویای فراست بر افراشتم.

۲۱. اولین زبان ترکی، ۱۹۴۵، ص ۳۸۸-۳۸۳

۲۲. مجله‌ی زلال و نیات ترکی، ج ۳، ص ۵۲

فکندم به آثار حکمت نظر،
به معموره‌ی صنع کردم گذر.
ندیدم به از میکه منزلی،
چو پیر مغان، مرشد کاملی.

پس از مقدمه، هفت نشته‌ی جام آغاز می‌شود. در نشته‌ی نخست، با نی؛ در نشته‌ی دوم، با دف؛ سوم، با چنگ؛ چهارم، با عود؛ پنجم، با سه‌تار یا طنبور؛ ششم، با قانون؛ و در نشته‌ی هفتم، با خود مطرب سخن می‌گوید. این مثنوی سرشار از اصطلاحات موسیقایی و شورایانه است.

این اثر، حاکی از وقوف عالمانه‌ی فضولی به علم و فن موسیقی است. نسخه‌های خطی آن از بنگال تا پاکستان در اغلب کتابخانه‌های دنیا موجود است.^{۲۳} این مثنوی را یکی از موسیقی‌شناسان اوزبیک موسوم به محمد رسول میرزا خوارزمی، به زبان اوزبکی ترجمه کرده و با عنوان مرغوب‌الناظرین وارد دیوان خود ساخته است.^{۲۴} در ایران متن کامل آن را نگارنده در کتاب درسی متون ادبی هنر و نیز در درسنامه‌ی رسالات موسیقایی گنجانده‌ام^{۲۵} و در دیوان فارسی فضولی^{۲۶} نیز آورده‌ام.

۲۳. رکذ: فهرست ریو (ص ۳۰۵) و فهرست ایواکف (ص ۶۶۷).

۲۴. رکذ: خولوزم موسیقی تاریخچسی، ۱۹۲۵، ص ۴۳ و نیز رکذ: دکر م صلیق، ح آفتابی، رسالات موسیقی، تهران: انتشارات فائز، ۱۳۷۹.

۲۵. م صلیق، ح متون ادبی هنر، تهران: دانشگاه سوره، ۱۳۷۹/ درسنامه‌ی متون رسالات موسیقایی (پرسه‌سلس درس دکر صلیق)، گردآورنده: مصومه غلام‌زاده بلوکیانی، تهران: نشر نکلرخسته ۱۳۸۱/ و نیز رکذ: محمدزاده صلیق، حسین سیری دو رساله‌های موسیقایی، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۹.

۲۶. حکیم ملا محمد فضولی یابلی، دیوان اشعار فارسی، انتشارات یاقوت تبریز، ۱۳۸۶.

۲ - ۲ - ۲. انیس القلب: قصیده‌ای به فارسی است در ۱۳۴ بیت که در پاسخ بحر

الابرار یا قصیده‌ی شبنیه‌ی خاقانی است با مطلع:

دل من نیز تعلیم است و من طفل زباندانش.

دم نسلیم سر، عشر و مرزاتو دبستانش.

که قبل از فضولی، امیر خسرو دهلوی آن را پاسخ گفته است به مطلع:

دل من طفل است و نیز عشق استاد زباندانش.

سواد الوجه سبق در سکنت گنج دبستانش.

و مرآت‌الصفا نامیده است. و حجامی نیز تحت نام جلاءالروح جواب داده است به

مطلع:

معلم کیست؟ عشق و کنج خدیش دبستانش.

سبق نادانی و دانا دل من طفل سبق خردانش.

و قصیده‌ی فضولی چنین شروع می‌شود:

دل من درجی است، اسرار سخن درهای غلطانش،

فضای علم دریا، فیض حق باران نیسانش.

این قصیده را اولین بار در سال ۱۹۴۴ جعفر ارقلینج همراه ترجمه‌ی زیبای ترکی

در استانبول انتشار داد. و سپس، مرحوم خانم مازی اوغلو آن را داخل دیوان فارسی

فضولی کرد که در چاپ دیوان فارسی، با مقدمه و حواشی این قلم بر آمده است.

به نظر برخی از فضولی‌شناسان، وی این قصیده را پیش از فتح بغداد، به دستور سلطان سلیمان قانونی سروده و به او تقدیم داشته است.^{۲۷}

و در جایی اشاره به سه استاد سخن پیشین می‌کند و می‌گوید:

نه من تنها شلم بانی این خانه، کز اول بود
اساس از کاملان هند و شروان و خراسانش.
سه رکن از خانه بود ز خسرو و خاقانی و جامی،
من از بغداد کردم سعی در تکمیل ارکانش.
ز کان طبع، پولادی برون آورد خاقانی،
سوی دریای هند ارسال کرد از سوی شروانش.
به استادی، از آن پولاد خسرو ساخت مرآت،
روان سوی خراسان کرد از دهل و ملاتش.
جلایی داد آن را جامی، آنگه جانب بغداد
فرستاد از برای خادمان شاه مردانش.

بر آن آئینه زینت بست بر خود بکر نظم من،
که هر کس دید حسن صورت او، ماند حیرانش.
ز هر علمی دلم را بهره ده یارب! چو می‌دانی،
دل من پیر تعلیم است و من طفل سبق خواتش.

در این چکامه‌ی بلند، فضولی از فضیلت سخن، ضرورت علم، عرفان و فقر سخن می‌گوید و اهل ریا و مدح و تملق را تقیح می‌کند.

۲ - ۲ - ۳. سفرنامه‌ی روح: این رساله در واقع یک سفرنامه‌ی تمثیلی است که با نگرش طبی و به قصد تشریح اعضای داخلی بدن انسان و با آرمانی عرفانی و فلسفی نگاشته شده است. در این حکایت تمثیلی، روح در عالم جبروت متولد می‌شود و چون میل سفر و گشت و گذار می‌کند، به عالم ناسوت می‌افتد و هنگام دخول در بدن، چهار برادر دوقلو به نام‌های خون، صفرا، بلغم و سودا می‌یابد که مالک مُلک تن بودند. در بدن با دختری موسوم به مزاج، که طبایع چهارگانه‌ی بدن را در تصرف داشت، ازدواج می‌کند و از او صاحب فرزندى صحت نام می‌شود.

روح، با عیال و فرزندان خود در کشور بدن گردش می‌کند. نخست به قلعه‌ای به نام دماغ می‌رسد و در آنجا، محله‌های سامعه، باصره، شامه، ذائقه، حس مشترک، خیال، متصرفه، وهم، حافظه و جبر آن وارد می‌شود. از این قلعه راه به شهر جگر می‌یابد. در شهر جگر با غاذیه، ناسیه، مولده، صورت، جاذبه، ماسکه، هاضمه و دافعه آشنا می‌شود و سپس، به شهر دل می‌رود. در شهر دل، با ساکنان آن شهر: امید، خوف، محبت، عداوت، فرح و غم افت و خیز می‌کند و در همان‌جا سکنی می‌گزیند. او امید، فرح و محبت را نزد خود نگه می‌دارد و خوف، عداوت و غم را از خود می‌راند.

روزگاری چهار برادر همزاد: بلغم، خون، سودا، صفرا در این شهر مهمانش می‌شوند. اما با هم می‌ستیزند. گرچه روح می‌کوشد آنان را آشتی دهد، ولی عداوت با سپاهیان کین و حسد: خوف با سپاه حیرت، هراس و اضطراب: و غم با سپاه محنت، حرمان و حسرت به قلعه هجوم می‌آورند که صحت را برابند.

در داخل قلعه، فرح از قشون حسن، محبت از قشون عشق، و امید از قشون عقل
مدد می‌خواهند. حسن و عشق به یاری می‌شتابند و سرانجام، عقل با قشون خود
خصم را مغلوب می‌سازد و خوف و غم را اسیر می‌کند.
در این میان، علامات متواری می‌شود و مرض را به یاری می‌طلبد. مرض نیز از
سودا کمک می‌خواهد، و بدین گونه کشور تن از هم می‌پراکند. سپس، روح به یاری
عقل و با کمک پرهیز سودا را از میان بر می‌دارد و خون، بلغم و صفرا را بی‌خاصیت
می‌کند، و بدین گونه کشور تن، آرام می‌گیرد.
در پایان ماجرا، فرح، حسن را به شهر دل می‌آورد و او نیز، با خود شیوه‌ی ناز،
عشو، کرشمه و غمزه را به این کشور وارد می‌کند و ماجراهای دیگری شروع
می‌شود.

به پیروی از مضمون این اثر بدیع، از سوری شیخ غالب مشنوی حسن و عشق
سروده شده است. این جانب اخیراً تصحیح این اثر را با یاری خانم شایسته ابراهیمی
به فرجام رسانیده و انتشار داده‌ام.^{۲۸}

۲ - ۲ - ۱. رسالهی معنائیه: در این رساله، نخستین بار کاتب جلی در کشف‌الغنون
از آن سخن گفته است. تاکنون دو نسخه‌ی خطی از آن یافت شده که باز به همت
کمال ادیب کورکچو اوغلو انتشار یافته است. این نشر حاوی ۱۹۰ معنای فصولی
است که به دو زبان ترکی و فارسی سروده شده است.

۲۸. فضولی، حکیم ملامحمد مغرله‌ی روح (صحت و مرض)، مقلعه تصحیح و تحشید: دکتر ح. م. صدیقی، شایسته
ابراهیمی، تهران: نگارخست، ۱۳۸۹.

این رساله را بار دوم مرحوم حمید آراسلی در سال ۱۹۵۸ در شهر باکو چاپ کرد. معمّالسازی که در نوع بندگی ادبی، جزو فنون بدیعی به شمار می‌رود، اول بار در ادبیات ترکی ایجاد شد و سپس، از سده‌ی هشتم به این سوی در فارسی نیز رواج یافت. فضولی گذشته از ترکی، به فارسی نیز معما ساخته است و حجم معماهای فارسی او بیشتر است.

۲-۲-۵. فرهنگ ترکی به فارسی: آنچه معروف است این است که فضولی فرهنگی در شرح لغات ترکی شرقی ناظر بر دیوان امیرعلیشیرنوائی و لطفی هروری ترتیب داده است. نسخه‌ای از آن را مرحوم پرفسور فاخرایز در سال ۱۹۵۶ در یکی از کتابخانه‌های پاکستان پیدا است.^{۲۹} ولی هنوز منتشر نشده است.

۲-۲-۶. دیوان فارسی. شامل مقدمه، ۴۹ قصیده، ۴۱۰ غزل، ۳۳ قطعه، یک ترکیب‌بند، یک ساقی‌نامه (هفت جام)، یک مثنوی، یک مسجع، یک تسدیس، یک ملمّع، ۱۳ دوبیتی و ۱۰۵ رباعی است که بر اساس تصحیح خانم مازی اوغلو با مقدمه، حواشی و تصحیح مجدد از سوی این قلم در سال ۱۳۸۷ در تبریز چاپ شد. گزیده‌ی آن نیز به همت آقای کریم اسدای و شاهرخ نجفی اخیراً انتشار یافته است.^{۳۰}

به نظر ما، اهمیت دیوان فضولی در آن است که زمینه و گستره‌ی مساعدی برای ظهور صائب تبریزی و پیدایش سبک معروف به هندی داشته است.

^{۲۹} Mujgan Cimbir, Fuzuli Bibliyografyasi Denemesi, M. EB/I.S.T

^{۳۰} گزیده‌ی دیوان فارسی حکیم ملا محمد فضولی، به کوشش کریم سدی، شاهرخ نجفی، تهر، نشر نگار تخت، ۱۳۸۸.

دیوان فارسی فضولی در میان دواوین فارسی، از بلیغ‌ترین آن‌ها و بی‌عیب‌ترین دیوان‌ها به شمار می‌رود.^{۳۱} و در تاریخ شعر فارسی، در واقع، پلی میان سبک عراقی و سبک ترکی (معروف به هندی) شناخته می‌شود. فضولی پیش از صائب تبریزی، به این سبک روی آورده و در واقع، این شیوه را از امیر علیشیر نوایی اخذ کرده و به میرزا محمد علی صائب تبریزی، سپرده است.

۲-۳. آثار عربی

۲-۳-۱. مطلع الاعتقاد فی معرفة المبدأ و المعاد: اثر فلسفی و کلامی مشهوری است که نخستین بار کاتب چلباشی از آن سخن گفته و نیز در مجموعه‌ی ی.ا. برتلس- نامبرده در بالا - یاد شده است. این مجموعه در چهار رکن تنظیم یافته است.

اثر فلسفی مطلع الاعتقاد را نخستین بار، مرحوم دکتر حمید آراسلی از روی نسخه‌ی یاد شده در بالا در سال ۱۹۵۸ م.، به صورت چاپ عکسی، تکثیر کرد. این نسخه منحصر به فرد و مغلوط از مطلع الاعتقاد را دکتر محمد بن تاورت الطنجی در سال ۱۳۸۱ هـ. (۱۹۶۲ م.)، با مراجعه به متون کلامی گوناگون و با صرف زحمت و همتی قابل اعتنا تصحیح، تنقیح و منتشر کرد. متن تصحیح‌شده‌ی این کتاب بعدها از سوی کمال ایشیق، اسد جوشان و عبداللطیف بندر اوغلو (بیاد - ۱۹۹۳) نیز چاپ شد.

چهار رکن این اثر چنین است:

۳۱. مشرف، مریم زندگی و شعر محمد فضولی، تهران: روزنه، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲.

رکن نخست، در ماهیت دانش و معرفت، وجوب شناخت خدا، انواع علوم و طرق کسب علم.
رکن دوم، در آفرینش کائنات، عالم و افلاک، معادن، گیاهان، جانوران، انسان و جن و احوال عالم.

رکن سوم، در ذات و صفات و افعال باری تعالی و مباحث خیر و شر.
رکن چهارم، در موضوع هدایت بشر از سوی خداوند و نبوت عامه و فضیلت پیغمبر اسلام به دیگر پیامبران و مباحث میزان، صراط، حساب و مسأله‌ی امامت و اثبات حقانیت شیعه.

برگردان فارسی این اثر به قلم نویسنده‌ی این سطور اخیراً چاپ شده است.^{۳۲}

۲-۳-۲. دیوان عربی: دیوانا فضولی، در مقدمه‌ی دیوان ترکی و فارسی خود، از دیوان عربی خویش یاد می‌کند. در تذکره‌ی صادق افشار نیز از دستنویس کلیات فضولی که صاحب تذکره، آن را روایت کرده و دیوان عربی وی را در آن دیده، سخن به میان آمده است. بخشی از این دیوان را ی. ا. کرتلس، متشرق روسی، در مجموعه‌ای غارت شده از کتابخانه‌ی بقعه‌ی شیخ صفی در اردبیل که هم‌اکنون در پتروگراد (لنینگراد سابق) محافظت می‌شود، یافته و منتشر کرده است که شامل یازده قصیده در نعت و مدح حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) است. طولانی‌ترین این قصاید ۶۳ بیت و کوتاهترین آن‌ها ۲۱ بیت دارد. به نظر برتولد^{۳۳} در این قصاید،

۳۲ ملا محمد فضولی، مطلع الاعتاد فی معرفة العباد و المعاد به کوشش حرم صلیبی، نشر راه کمال، تهران، ۱۳۸۶.

۳۳ ی. ا. کرتلس، جزء ۳۷، ص ۶۴۸.

تأثیر عمیق عمادالدین نسیمی شروانی، شاعر عارفِ حروفی مسلک ابتدای قرن نهم آذربایجان، به روشنی مشهود است.

فرجامین چاپ نسبتاً متفح دیوان عربی فضولی از آن عبداللطیف بندر اوغلو است. او همانند محمد طنجی، استاد سابق زبان و ادبیات عربی دانشگاه آنکارا، توانسته است اشتباهات و اغلاط املایی موجود در نسخه‌ی خطی دیوان عربی فضولی را تصحیح و چاپ کند و تأکید کرده است که: «فضولی بزرگترین شاعر عصر خود در سه زبان عربی، ترکی و فارسی بوده است و مدّت‌ها در بغداد حله و کربلا جلسات درس داشته و در آن جلسات به عربی و با ترکی سخن می‌گفته است.»^{۳۴}

قصاید عربی فضولی از فصاحت و سلاستی بی‌مانند برخوردار است. صاحب که‌الاخبار از قصاید عربی او یاد کرده‌گوید:

... و به زبان عربی قصاید بلاغت نشان دارد...

هفت قصیده از دیوان عربی فضولی در هفت رسول اکرم (ص) و سه قصیده در مناقب حضرت علی (ع) است.

در چایی که ی. الف. برتلس و سپس حمید آریلی از قصاید عربی وی بیرون داده‌اند، اغلاطی تقریباً در همه‌ی ابیات دیده می‌شود.

پیدااست که کاتب کتاب، متن آن‌ها را مانند متن کتاب مطلع الاعصار با بی‌دقتی و عجله استنساخ کرده است. با توجه به این که زبان علمی فضولی، زبان عربی بود و سال‌ها در بغداد و حله و نجف و کربلا علوم ادبی، فلسفی، کلامی و غیره را به این زبان تدریس می‌کرده و خود از شعرای نامی عصر خود و اهل کلام و قلم بوده،

۳۴ مطلع الإعتماد و قصاید العربیه للشاعر فضولی، درله و مراجعه عبداللطیف بندر اوغلو، بغداد، ۱۹۹۴، ص ۹.

بسیار بعید است که اشعار خود را با اغلاط فاحش انتشار دهد. مقدمه‌نویس کتاب مطلع الاعتقاد گوید:

«المن اعتقد ان الاخطاء سببها كتاب النسخ المستنسخة على الاصل، لان فضولى البغدادي، لم يكن ضعيفاً من قواعد العربية و ادبها و لغتها. فقد كان صاحب مجالس فى بغداد و الحلة و كربلاء و النجف. و تولى التدريس مدّة من الزمن و كان اشعر شعراء عصره فى اللغات الثلاث.»^{۳۵}

به برخی از اغلاط موجود در نشر برتلس و آراسلی اشاره می‌کنیم:

کنشاة	به جای	کنشوة
تخیری	به جای	تجیری
بد العشق	به جای	بذا العشق
ما الانا	به جای	ما الإناء
الفنى	به جای	القنا
السما	به جای	السماء

این اغلاط در چاپ بغداد همگی تصحیح شده‌اند، اما متن کتاب بدون حرکت‌گذاری چاپ شده است. نگارنده در چاپ خود سعی کردم آن را حرکت‌گذاری کنم و تمام تلاشم در ترجمه مقصور بر آن است که مفهوم و مآل ابیات را به شعر هجایی ترکی انتقال دهم. این کار گرچه در آغاز آسان به نظر می‌رسید، اما دشواری‌های خاص خود را داشت.

گذشته از چکامه‌های یازده‌گانه‌ی فضولی که از آن‌ها یک نسخه بیشتر در دست نیست، قطعات و ابیات و عبارات عربی فراوانی در دیوان‌های ترکی و فارسی و در مشوی‌ها و آثار دیگر وی نیز وجود دارد.

همان گونه که کاتبان و استنساخ‌کنندگان آثار دیگر فضولی در طول تاریخ در ضبط کلمات و عبارات، تصرف‌های بجا و نابجا کرده‌اند، در اشعار عربی به جا مانده از او نیز تغییرات و دگرگونی‌هایی ایجاد شده است.

نگارنده در برخورد با این اختلافات نسخ، به تشخیص خود صورت صحیح‌تر نکات مورد اختلاف را برگزیدم و در ابیات ضعیف را حذف کردم. مثلاً در بیت دوم از نخستین دو بیتی در دیوان ترکی:

تَقْدُسُ مَنْ لَوْلَا إِيْمَانُهُ فَضْلُهُ،
لَمَا عَلَّمَ الْأَسْمَاءَ آدَمَ كُلَّهَا.

در بسیاری از نسخه‌ها به جای لفظ «عنايه» عبارت «ایمانه» آمده است. پیداست که در این بیت لفظ «عنايه» به قرین «فضله» صحیح‌تر است تا معنای زیر استخراج شود:

«سپاس گوئیم کسی را که اگر عنایت و فضل وی می‌بود، هر آینه خداوند تمام اسماء را به آدم نمی‌آموخت.»

و یا در دوبیتی دوم از همان جا در بیت:

تَبَّتْ يَدَا كَاتِبٍ لَوْلَا مَا خَرَّتْ،
مَعْمُورَةٌ نَسِيتُ بِالْعِلْمِ وَالْآدَبِ.

که تقریباً در همه‌ی نسخه‌ها به جای فعل شرط «ماخریت» در معنای «خراب نمی‌شد»، عبارت «ماضریت» آمده است. پیداست که نسخه بدل صحیح نیست و معنای بیت چنین است:

«بریده باد دستان کاتب بد تحریر که اگر او نبود، خراب نمی‌شد بنایی که بر پایه‌ی علم و ادب بنا شده است.»

در همین بیت در برخی از نسخه‌های خطی و چایی به جای فعل «أُسْتُت»، فعل «أُسِّيت» آمده است که استخراج معنی صحیح از بیت را دشوار می‌سازد. و در بیت دوم آن:

تُسْتَظْهِرُ الْقَيْبَ تَغْيِيراً مِنَ الْعَيْبِ.

کلمه‌ی «تغییراً» را «طایراً» ضبط کرده‌اند که پیداست منظور شاعر در این جا تغییر لفظ «عنب» به «عیب» است.

در ترجمه به شعر ترکی از قصائد فضولی، وزن بسیار کاربردی یازده هجایی را برگزیدم و هر بیت را اغلب در چهار مصراع و گاه در تعدادی مصراع کوتاه و بلند به ترکی برگرداندم. قصدم تنها دادن مفاهیم و مضامین حفظه در ابیات است و تلاش کردم از برخی از کلمات موجود در متن نیز استفاده کنم مثلاً بیت نهم از قصیده‌ی اول چنین است:

خَلَعْتُ لِبَاسَ الْإِعْتِبَارِ لِأَنَّهُ

مُهْتَكِكُ أَسْثَارِ السَّلَامَةِ فِي الْعِلَا.

برگردان فارسی آن چنین می‌شود:

جامه‌ی اعتبار و ارزش را از تنم درآوردم؛ چرا که آن پوشش‌های سلامت و
رستگاری را زایل کرده و از بین می‌برد.

آن را من چنین ترجمه کردم:
اگینمیش چپخارتدیه، اگینملن آتدیه،
اعتبار گنیمین، حرمت لباسین،
چون کی گیزلهدیری، همه پیرتیردی
سلامت اورتوگون، نجات ردا سبن.

در این ترجمه سه کلمه‌ی لباس، اعتبار و سلامت را که فضولی به کار برده، عیناً
آورده‌ام و همه‌ی کلمات را هم معادل‌یابی کرده‌ام. در آن صنایع شعری زیر نیز
مشهود است:

۱. تکریر در مصراع اول.
۲. دو اضافی تشبیهی در مصراع دوم.
۳. لفّ و نشر در دو مصراع نخست.
۴. وجود تشبیه ملفوف و مفروق در لفّ و نشر مذکور.
۵. جناس افزایش میان دو فعل در مصراع اول.
۶. جناس شبه اشتقاق میان دو کلمه‌ی اگنیم/ گنیم.
۷. تناسب تضاد میان کلمات: بیرتاق/ گیزلهدیر/ اورتوگون.
۸. مراعات نظیر میان کلمات اورتوک/ ردا/ لباس.
۹. مراعات نظیر میان کلمات اورتوک/ گیزلتمک.
۱۰. جناس متوازن میان دو کلمه‌ی سلامت/ حرمت.

۱۱. وجود دو اضافی تشبیهی در مصراع چهارم.

۱۲. مراعات تقطیع ۶+۵ در هر چهار مصراع.

سعی کرده‌ام در ترجمه‌ی همه‌ی ابیات، تا آن جا که از توانم برمی‌آمد، زیبایی کلام فضولی را هم‌راهِ انتقال دقیق مفاهیم آن‌ها منتقل سازم. با همه‌ی این دقت‌ها و وسواس که داشتم، باز هم احتمال می‌دهم که در خوانش، ضبط، ویرایش و برگردان ابیات و الفاظ، ویژه در التزام به ترجمه‌ی منظوم، دچار زلت‌ها و خطاهایی ناگذشتنی شوم که امیدواره هر کس به‌خیر مورد از آن پی برد، منت نهاد و در اصلاح آن مورد، عمل کند. در برگردان به شعر ترکی از وزن یازده هجایی معروف به «قوشما» استفاده کردم و قصدم تنها پردازش مضامین ابیات بوده است. این است که گاهی یک بیت را در دو یا سه بیت، و یا یک بند را در یک بیت گنجانده‌ام.

دکتر ح. م. صدیق

تهران - اسفند ۱۳۹۰